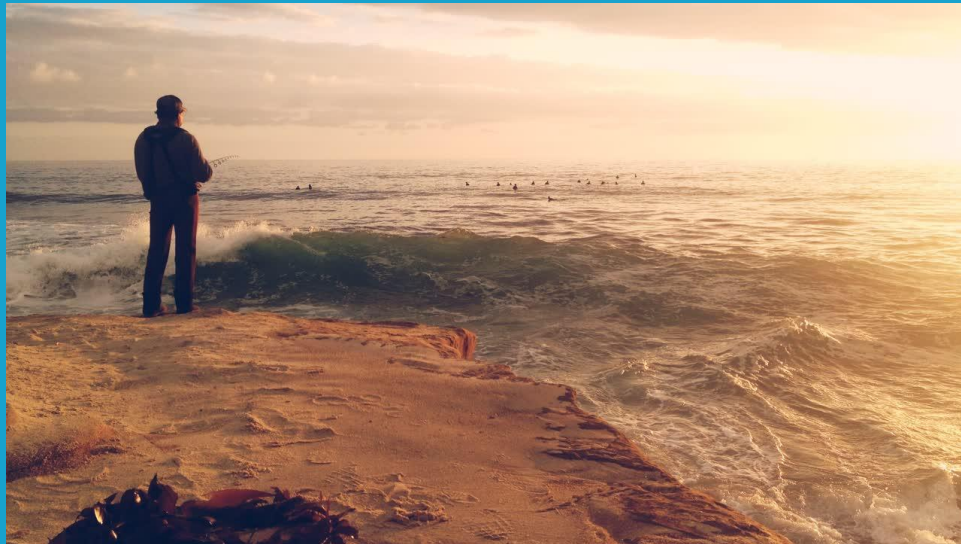




Iranian Independent Islamic Human Rights Commission
کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
لجنة حقوق الانسان الاسلاميه في ايران



محیط زیست سالم: حق بشری و در زمره حقوق بین الملل عرفی

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

بهار ۱۴۰۴

توضیحات مقدماتی کمیسیون:

موضوع تغییرات اقلیم و پیامدهای آن بر کره زمین آن چنان جدی و خطرناک است که هیچ جامعه ای نمی تواند خود را مصون از آن بداند و در قبالش سو عملکرد یا تاخیر و انفعال داشته باشد. در خصوص این موضوع، طی سالهای اخیر روندهای حقوق بشری توسعه جدی یافته است. همانگونه که تحرکات نهادهای متنوع ملی و بین المللی گسترش پیدا کرده است. در همین راستا، دو سال قبل اکثریت کشورهای جهان در مجمع عمومی ملل متحد از دیوان بین المللی دادگستری تقاضا کردند تا نظر مشورتی در خصوص تعهدات دولتها در قبال تغییرات اقلیم ارائه کند. به تازگی دیوان اعلام کرد که در روز ۲۳ جولای ۲۰۲۵ / یکم مرداد ۱۴۰۴ نظر مشورتی خود را اعلام می کند. طی ماههای اخیر به مناسبت ورود دیوان در این زمینه برخی از متخصصان، یادداشت هایی را در خصوص روند جاری در دیوان بین المللی دادگستری مرقوم داشته اند که در خور توجه است. دو مورد از این نوشتارها با ارجاع امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، توسط همیاران مرتبط با کمیسیون به فارسی برگردان شده تا بعد از آن وقتی که در مورد نظر مشورتی دیوان، اطلاعات فنی عرضه می گردد، امکان استفاده بیشتر فراهم شود. نوشتار حاضر یکی از آن موارد است.

امید است مطالعه این مباحث ما را نسبت به رعایت هر چه بیشتر حق به محیط زیست سالم و مواجهه هوشمندانه در قبال تغییرات اقلیم حساس تر نماید خصوصا که کشور ما در این زمینه با چالشهای متنوع روبروست.

♦ نویسنده: آسترید پونته ریانو، گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد ناظر به حق بشر بر محیط زیست پایدار، سالم و پاک، مدیر آزمایشگاه عدالت اقلیمی و زیست محیطی، کلینیک حقوق محیط زیست برتا کسرز، دانشگاه ایرو آمریکا، مکزیك

♦ برگردان از انگلیسی به فارسی: حسین رنجبر، دانش پژوه کارشناسی ارشد حقوق بشر و همیار کمیسیون/ ویرایش و نهایی سازی در امور پژوهشی کمیسیون، خرداد ۱۴۰۴

♦ مآخذ: هاب (قطب) دانش اهداف توسعه پایدار، منتشره در ژانویه ۲۰۲۵

متن مقاله:

دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ)، عالی‌ترین نهاد قضایی سازمان ملل متحد، در حال بررسی یکی از مهم‌ترین پرونده‌های تاریخ خویش است - نظریه‌ی مشورتی راجع به تعهدات دولت‌ها در مواجهه با تغییرات اقلیمی. دیوان به احتمال بسیار زیاد در رای خود به این مسئله خواهد پرداخت که آیا حق انسان بر محیط‌زیستی سالم، به موجب عرف میان دولت‌ها به رسمیت شناخته شده و در نتیجه، واجد وصف الزام‌آور از منظر حقوق بین‌الملل است؟ به رسمیت شناختن این حق به عنوان یک هنجار عرفی بدین معناست که همه‌ی دول، صرف‌نظر از به رسمیت شناختن صریح این حق در معاهدات و حقوق داخلی، دارای یک الزام قانونی به صیانت از این حق می‌باشند. در جهانی که تغییرات اقلیمی، آلودگی و کاهش تنوع زیستی به طرز نامتناسبی، جوامع حاشیه‌نشین را تحت تاثیر قرار داده است، پاسخ به این پرسش ضروری است.

در جریان رسیدگی‌های نزد دیوان، که در ماه دسامبر گذشته در لاهه با برگزاری جلسات علنی همراه شد، بیش از شصت دولت تاکید کردند که حق انسان بر محیط زیست پایدار، سالم و پاک در سطح بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است و در چهارچوب وضعیت اضطراری اقلیمی، الزامات ویژه‌ای را به همراه دارند. در مقابل، تنها ده دولت (استرالیا، کانادا، چین، آلمان، کویت، عربستان سعودی، نیوزیلند، صربستان، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا) مخالفت خود را با این اکثریت غالب ابراز نمودند؛ با این استدلال که به رسمیت شناختن چنین حقی توسط سازمان ملل متحد، صرفاً سیاسی و فاقد وجهت حقوقی است.

در حالیکه وجهت حقوقی این حق غیرقابل انکار است، واقعیت بی‌سابقه‌ای که بشریت با بحران سه‌گانه‌ی کره‌ی زمین روبروست، حکایت از آن دارد که این مبحث فراتر از بحث حقوقی صرف است. در نتیجه‌ی بحران‌ها و شرایط اضطراری برآمده از تغییرات اقلیمی، کاهش تنوع زیستی و آلودگی، نابرابری‌های نظام‌مند و واقعی روز به روز تشدید می‌شوند و گروه‌ها، مردم و افراد به حاشیه‌رانده را تحت تاثیر قرار می‌دهد. میلیون‌ها نفر تحت تاثیر طوفان‌ها، گردبادها، آتش‌سوزی‌ها، خشکسالی‌های درازمدت، بالا آمدن سطح دریاها، اسیدی شدن اقیانوس‌ها و آلودگی هوا در کنار سایر تاثیرات قرار دارند که اهمیت و ضرورت این مبحث را نشان می‌دهد.

به عنوان گزارشگر ویژه‌ی سازمان ملل متحد در خصوص حق بر محیط زیست سالم، پاک و پایدار، توضیح خواهم داد که چرا دیوان بین‌المللی دادگستری باید این حق را به موجب حقوق بین‌الملل عرفی به رسمیت بشناسد.

اهمیت حقوق بین‌الملل عرفی

باید توجه داشت که الزامات یا تعهدات در حقوق بین‌الملل از دو راه ناشی می‌شود: نخست، هنگامی که دولت‌ها بر الزام‌آور بودن یک قاعده توافق کنند و این الزام را در یک معاهده‌ای بگنجانند و دوم، هنگامی که یک هنجار،

حقوق عرفی در نظر گرفته شود؛ به عبارت بهتر، یک الزام هنگامی بین‌المللی است که از عرف بین کشورها ناشی شود.

در چهارچوب بحث صورت گرفته، دومین راه به‌طور ویژه حائز اهمیت است. بنابر نظر دیوان، یک هنجار زمانی قاعده‌ی عرفی محسوب می‌شود که "به طور عمومی، یک رویه‌ی عملی به عنوان قاعده پذیرفته شده باشد." (اساسنامه‌ی دیوان بین‌المللی دادگستری، ماده ۳۸، بند ۱، قسمت ب). این امر، مستلزم وجود دو پیش‌نیاز ضروری است؛ که عبارت‌اند از: ۱. رویه‌ی گسترده و پیوسته‌ی دولت‌ها ۲. توسط دولت‌ها به عنوان یک الزام قانونی پذیرفته شده باشد یعنی همان اعتقاد به الزام‌آور بودن .

رویه‌ی گسترده و پیوسته‌ی دولت‌ها مبنی بر محیط زیست سالم به عنوان حق بشری

به رسمیت شناختن حق بر محیط زیست سالم، پاک و پایدار در سطح بین‌المللی، منطقه‌ای، ملی و فروملی از سال ۱۹۷۰ میلادی، نشان‌دهنده‌ی رویه‌ی گسترده و پیوسته‌ی دولت‌هاست. در سطح بین‌المللی، حق مذکور توسط قطعنامه‌های شورای حقوق بشر (۲۰۲۱) و مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۲۰۲۲) به رسمیت شناخته شده است. خود دیوان حدود ۳۰ سال پیش [در موضوع قانونی بودن یا نبودن تهدید یا کاربرد سلاح‌های هسته‌ای] این حق را به رسمیت شناخت [با این تعبیر] که محیط زیست "یک مفهوم انتزاعی نیست بلکه نمایانگر محل زندگی، کیفیت زندگی و سلامت انبای بشر، از جمله نسل‌های آینده است.

در واقع، نهادهای متعدد حقوق بشری از جمله کمیته‌ی حقوق بشر، کمیته‌ی حقوق کودک، کمیته‌ی رفع هرگونه اشکال تبعیض علیه زنان و کمیته‌ی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محیط زیست سالم، پاک و پایدار را به رسمیت شناخته‌اند [و تاکید کرده اند که این حق] پیش‌شرطی برای بهره‌مندی کامل از سایر حق‌های بشری مانند حق بر حیات و حق بر سلامت می‌باشد.

در سطح منطقه‌ای، نظام‌های آفریقایی و بین‌آمریکایی حقوق بشر از سال ۱۹۸۰ میلادی، صراحتاً حق بر محیط زیست سالم را به رسمیت شناخته‌اند. مضافاً، در سال ۱۹۹۴، منشور عربی حقوق بشر و در سال ۲۰۱۲، اعلامیه حقوق بشر انجمن کشورهای جنوب شرقی آسیا (آسه‌آن) به صراحت به آن اشاره کردند. همچنین، کنوانسیون دسترسی به اطلاعات، مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری و دسترسی به عدالت در امور زیست‌محیطی ۱۹۹۸ (کنوانسیون آرهوس) و توافقنامه‌ی منطقه‌ای دسترسی به اطلاعات، مشارکت عمومی و عدالت در امور زیست‌محیطی در آمریکای لاتین و کارائیب ۲۰۱۶ (توافقنامه اسکارزو) از حق بر محیط زیست سالم حمایت می‌کنند.

در سطح ملی، از سال ۱۹۷۰ میلادی حق بر محیط زیست سالم به تدریج در سراسر دنیا از طریق قوانین اساسی، تقنین قوه‌ی مقننه، تصمیمات محاکم دادگستری و تصویب معاهدات منطقه‌ای در قوانین کشورها گنجانده شده است.

امروزه، ۱۶۴ کشور، معادل ۸۵ درصد از اعضای سازمان ملل متحد، صراحتاً حق بر محیط زیست سالم را به لحاظ قانونی به رسمیت می‌شناسند. حتی در جاهایی که این حق بشری هنوز در سطح ملی به رسمیت شناخته نشده است، از طریق به رسمیت شناختن فروملی آن، پیشرفت‌هایی حاصل شده است. به عنوان مثال، در ایالات متحده آمریکا، ۷ ایالت از نظام فدرال حق بر محیط زیست سالم را به رسمیت شناخته‌اند و اخیراً در سال ۲۰۲۴ میلادی، سرزمین پایتخت استرالیا (کانبرا) هم بدین صورت عمل کرد. علاوه بر این، اکثر کشورهای که این حق در آنها هنوز به طور قانونی به رسمیت شناخته نشده است، کشورهای جزیره‌ای کوچکی هستند که بارها از طریق ابزارهای سیاسی حمایت خود را از این حق بشر ابراز کرده‌اند.

رویه‌ی بین‌المللی، منطقه‌ای، ملی و فروملی دولت‌ها که صراحتاً حق بر محیط زیست سالم را به رسمیت می‌شناسد، پیش‌نیاز داشتن رویه پیوسته و گسترده از سوی دولت‌ها را تحقق می‌بخشد.

پذیرش اینکه حفاظت از حق بر محیط زیست سالم الزام‌آور است (اعتقاد به الزام‌آور بودن)

دولت‌ها به طور گسترده این موضوع را پذیرفته‌اند که حق بر محیط زیست سالم از نظر حقوقی الزام‌آور است و بنابراین، دولت‌ها موظف به احترام، حمایت و تضمین آن هستند. این امر با هزاران حکم دادگاه، قوانین و مقررات در سطوح مختلف نشان داده می‌شود که این حق را اجرا کرده و به توسعه محتوای آن کمک کرده‌اند. در بسیاری از موارد، دادگاه‌ها استنتاج کرده‌اند که دولت‌ها یا حتی بازیگران غیردولتی، به دلیل عدم رعایت الزامات خود در احترام، حمایت و تضمین حق بر محیط زیست سالم، دارای مسئولیت هستند. فلذا معیار اعتقاد به الزامی بودن در خصوص بررسی ماهیت الزام‌آوری حق مذکور، هم محقق می‌شود.

از آنجا که رویه‌ی عمومیت‌یافته و منسجمی در مورد کشورها وجود دارد، زمان آن رسیده است که دیوان بین‌المللی دادگستری حق بر محیط زیست پاک، سالم و پایدار را به عنوان حقوق بین‌الملل عرفی به رسمیت بشناسد. نکته مهم این است که همانند سایر حق‌ها و الزامات، این حقیقت که یک الزام ذیل حقوق بین‌الملل عرفی در نظر گرفته می‌شود، به معنای وجود اتفاق نظر میان جامعه بین‌المللی نیست. همانطور که در مورد حق زندگی عاری از شکنجه و رفتار تحقیرآمیز و مجازات اعدام، برخی از کشورها به شدت اعتراض خود را اعلام می‌دارند. بنابراین، دیوان بین‌المللی دادگستری می‌تواند با به رسمیت شناختن حق بر محیط زیست پاک، سالم و پایدار ذیل حقوق بین‌الملل عرفی، روشن کند که هنوز کشورهایی وجود دارند که آن را نمی‌پذیرند.

حق بر محیط زیست سالم از چه چیزی حمایت و صیانت می‌کند؟

محتوای حق بر محیط زیست پاک، سالم و پایدار نیز طی دهه‌ها بسط پیدا کرده است. همانند سایر حق‌ها، از جمله حق حیات، یک فهم کلی از حداقل محتوای آن وجود دارد که به طور متمایزی در هر حوزه قضایی توسعه یافته است. به علاوه، یک کاربرد موردی، عناصر آن را بیشتر نمایان می‌سازد.

با در نظر داشتن این نکته، قانون‌گذاری، رویه قضایی و دکترین‌هایی که حق بر محیط زیست پاک، سالم و پایدار را بسط می‌دهند، عنصرهای ماهوی و شکلی آن را تبیین کرده‌اند. عناصر شکلی شامل حق دسترسی به اطلاعات، مشارکت عمومی و دسترسی به عدالت و جبران خسارت است. عناصر ماهوی، شامل هوای پاک، اقلیم امن، آب سالم و کافی، غذای سالم و پایدار، محیط‌های سالم برای زندگی، کار، مطالعه و بازی، و تنوع زیستی و اکوسیستم‌های سالم است.

افزون بر آن، چندین حوزه قضایی منطقه‌ای و ملی حق بر بهره‌وری از محیط زیستی پاک، سالم و پایدار را هم‌حقی فردی و هم‌حقی جمعی می‌دانند و انواع مختلفی از جبران خسارات حمایتی را برای آن قابل دسترس کرده‌اند. همچنین این موضوع تبیین شده است که حق مزبور، از عناصر موجود در طبیعت صرف نظر از رابطه آنها با انسان و همچنین نسل‌های حال و آینده، حمایت می‌کند. جملگی این الزامات به واکنش دولت به تغییرات اقلیمی گسترش می‌یابد و شامل جبران خسارت برای نقض‌های حق‌های بشری ناشی از آسیب به نظام اقلیمی می‌شود.

نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در تضمین محیط زیست سالم برای هر شخص و در هر مکان

شناسایی حق برخورداری از محیط زیست سالم به عنوان یک الزام حقوقی طبق حقوق بین‌الملل، گامی مهم و رو به جلو برای بشریت خواهد بود. این امر حقوق نسل‌های حال و آینده را مورد حمایت و صیانت قرار می‌دهد که با تهدید بحران سه‌گانه کره زمین مواجه می‌باشند.

در این برهه حساس، دیوان بین‌المللی دادگستری فرصتی تاریخی دارد و البته که دارای مسئولیتی است تا الزامات و اقداماتی را که هم دولت‌ها و هم کسب و کارهایی که عمدتاً مسئول بحران اقلیمی هستند، باید برای رسیدگی به علل ساختاری بحران کره زمین که بشریت با آن مواجه است، انجام دهند، تبیین نماید.

تصمیم دیوان بین‌المللی دادگستری می‌تواند به طور قابل توجهی شناسایی و حمایت و صیانت از محیط زیست پاک، سالم و پایدار را به عنوان یک حق بشری در سراسر جهان تقویت کند. دیوان می‌تواند با اثبات اینکه این حق به طور جهانی مورد حمایت است، به اکثر نظام‌های حقوقی جهان که دهه‌هاست این حق را به عنوان یک واقعیت تثبیت شده

به رسمیت شناخته‌اند، اتکا کند. این امر به نوبه خود می‌تواند دولت‌ها و مناطقی را که هنوز این حق را به رسمیت نمی‌شناسند، ترغیب کند تا هرچه سریع‌تر در راستای رویه دولت‌ها و شناسایی گسترده آن توسط جامعه بین‌المللی اقدام کنند، که حقوق بین‌الملل باید بازتاب‌دهنده آن باشد.